

UCP600

و درس‌های جدیدی که می‌توان از آن آموخت

ر. انصاری‌بصیر

بنابراین، بیان دغدغه‌های عنوان‌شده از این بابت، نباید اسباب شوق و ذوق برای بعضی‌ها باشد. در واقع، هر گام کوچکی که برای تصاحب سهمی از این ۷۰ درصد برداریم، کاری بس بزرگ و در خورتحسین است، همانطور که هر گام کوچکی که برای کاستن از سهم پرداخت‌های بین‌المللی خود به‌واسطه اعتبارات اسنادی و به‌کارگیری ابزار پرداخت‌های آبرومندانه‌تر برداریم، میمون و مبارک است. سهم استاندارد جهانی ۱۵ درصد کجا و سهم بالاتر از ۹۰ درصد ما کجا؟

اگر روزی را شاهد بودیم که شعب بانک‌های ما به جای نصب آگهی‌های تبلیغاتی با این مضمون که "در این شعبه افتتاح اعتبارات اسنادی در چند دقیقه انجام می‌گیرد" بنویسند: "حداقل ۵۰ درصد از اسناد اعتبارات اسنادی که به‌درخواست شما افتتاح می‌گردد، با فعالیت تخصصی ما تبدیل به برات اسنادی می‌شود" آنگاه می‌توانیم بر خودمان ببالیم.

نکته دیگری که شاید پرداختن به آن خالی از فایده نباشد، تفاوت ارقام آماری ارائه‌شده از سوی آقای دل‌بوستو و آقای کولیر است. در حالی که آقای دل‌بوستو از آمار ۵۰ درصدی مردودی اسناد به‌دلیل مغایرت‌های مسلم یا مشکوک خبر می‌داد، آقای کولیر صحبت از ۷۰ درصد برای عموم مغایرت‌ها می‌کند. علت این تفاوت آماری بسیار ساده است: فاصله بین انتشار دو سند عصر اینترنت و گسترش اطلاعات بوده و بسیاری از بانک‌های غیراروپایی توانسته‌اند فاصله خود را با بانک‌های متخصص و ترازاول اروپایی کم‌تر و کمتر کنند و در امر کنترل اسناد بر حقوق خود پای بشارند، ضمن این‌که با ورود این نیروهای جدید به‌بازار کنترل‌کنندگان اسناد حمل، شمار دعاوی اعتبارات اسنادی در دوره موردنظر افزایشی را نشان داده است.

UCP500 حیات داشت، شمار پرونده‌هایی که برای حل‌وفصل به دادگاه‌های صالحه ارجاع می‌گردید، افزایشی نشان نداد، ولیکن پیدایش DOCDEX، یعنی قوانین کارشناسی حل‌وفصل اختلافات اعتبارات اسنادی در اکتبر ۱۹۹۷ (با تجدیدنظر مارچ ۲۰۰۲) منجر به صدور رأی در بیش از ۶۰ مورد شد. به‌طوری که ملاحظه می‌شود، نامبرده دو نوع دغدغه جدید مهم‌برمی‌شمارد: یکی اینکه مبادا وجاهت اعتبارات اسنادی به عنوان یک ابزار پرداخت بانکی (ابزاری شبیه چک، سفته، برات، حواله یا ضمانتنامه) مورد تردید قرار گیرد؛ و دیگر اینکه اگر کنترل و واریسی اسناد برداشته شود، سهم این ابزار پرداخت و تسویه بین‌المللی از آنچه هم‌اکنون هست، بزرگتر نیز بشود.

ناید وجاهت اعتبارات اسنادی به عنوان یک ابزار پرداخت بانکی، مورد تردید قرار گیرد.

بنابراین، درس بزرگی که می‌توان گرفت، این است که سهم اعتبارات اسنادی به‌عنوان یک ابزار پرداخت و تسویه بین‌المللی باید در حد فعلی‌اش حفظ شود. به‌عبارت دیگر، فعلاً نباید آن را منسوخ و از رده‌خارج حساب کرد. از طرف دیگر، از سهم فعلی‌اش نیز نباید فراتر رود، سهمی که فعلاً در سطح بین‌المللی حداکثر تا ۱۵ درصد بیشتر نیست (به‌نقل از نشریه یکی از بانک‌های بزرگ آلمانی).

شاید جالبترین وجه موشکافی در این آمار و ارقام درک این واقعیت است که کمیسیون بانکداری اتاق بازرگانی بین‌المللی، با عملکرد بانک‌هایی که به درستی کار کنترل اسناد را با دقت و وسواس هرچه تمام‌تر در حد تخصصی و فوق تخصصی دنبال می‌کنند، نه تنها مخالفتی ندارد، بلکه عملاً خوشنود نیز هست.

دست‌اندرکاران به‌یاد دارند که UCP500 مقدمه‌ای نیز داشت به قلم آقای چارلز دل‌بوستو، رئیس کمیسیون بانکی اتاق بازرگانی بین‌المللی. نامبرده در آن مقدمه صادقانه اذعان کرده بود که دغدغه‌اش چیست: مردودشدن حدود ۵۰ درصد از اسنادی که در جهان تحت اعتبارات اسنادی به بانک‌ها ارایه می‌شوند، به‌دلیل مغایرت‌های مسلم یا مشکوک. در آن زمان ممکن بود چنین تصور شود که ایشان از عملکرد بانک‌هایی که با اعمال کنترل‌های دقیق، فنی و تخصصی اسناد حمل، و با بهره‌گیری استادانه از همین مقررات هزارتوی UCP منافع خود را می‌جستند، گله‌مند است. اما بطلان این تصور را به راحتی می‌توان در UCP600 یافت. در مقدمه سند اخیرالذکر که به قلم مشاور فنی دیگری است به‌نام آقای Gary Collyer، وی از آقای دل‌بوستو پا را فراتر گذاشته و به جای آمار ۵۰ درصدی، از آمار ۷۰ درصدی خبر می‌دهد. بد نیست به ترجمه پاراگراف سوم مقدمه‌ای که ایشان نگاشته، نگاهی داشته باشیم: «هنگامی که کار بازرگاری آغاز شد، پاره‌ای تحقیقات بین‌المللی حاکی از این بود که تقریباً ۷۰ درصد از اسنادی که تحت اعتبارات اسنادی در سطح جهانی ارایه می‌شوند، در همان ارایه نخستین به‌دلیل مغایرت مردود می‌شوند. این امر مسلماً تأثیر منفی بر روی شناخته‌شدن اعتبارات اسنادی به‌عنوان یک ابزار پرداخت داشته و دارد. از طرف دیگر، چنانچه کنترل و واریسی اسناد برداشته شود، این امر می‌تواند به‌طور جدی منجر به ترغیب حفظ یا حتی افزایش سهم اعتبارات اسنادی به‌عنوان یک ابزار تسویه بین‌المللی در بازار گردد. ابداع جدید بانک‌ها در وضع حق‌الکشف برای مغایرت‌ها، اهمیت موضوع را بیش از پیش نمایان ساخته، به‌خصوص که گاهی اوقات مغایرت‌ها مشکوک یا غیرمعمول می‌نمایند. در دورانی که